

با اعلان نتایج انتخابات هفتم مارچ 2010 اراده درخشان سیاسی مردم عراق نمایان شد. در این انتخابات دو جهت سیاسی که بیشتر از سایر اتحادیه های سیاسی رای آوردند حزب های مذهبی و قومی نبودند هرچند که در هر کدام از آنها اکثریت شیعه و سنی قابل دیدن است اما این هر دو حزب با برنامه سیاسی غیر مذهبی و ملی خود را معین کرده اند. ایاد علانی نخست وزیر دوران سیاه جنگ داخلی که حزب سیاسی خود جنبش ملی عراق را با تعقل سیاسی غیر مذهبی و اتحاد ملی بودن معین میکند بیشترین رای را آورده است و بنابر قانون اساسی میباید دولت آینده عراق را تشکیل دهد. نخست وزیر کنونی عراق نوری الملکی که اتحادیه سیاسی اتحادیه قانون را تشکیل داده است و حزب خود را با غیر مذهبی و ملی بودن معین میکند و بخاطر آن از مجموعه سیاسی اتحادیه ملی عراق که شامل طیف وسیع شیعه ها میشد و در آن کسانی مانند مقتدا صدر نفوذ داشتند جدا شده است.

این انتخابات را میباید پیروزی میانه روهای مذهبی و غیر مذهبی و قومی دانست که برای اولین بار از زمان استقلال عراق توانستند نشان دهند که اکثریت مردم عراق بدون در نظر گرفتن قومیت و مذهب خواهان زندگی با آرامش با تمام مردم عراق هستند. از زمان سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین در 2003 بوسیله ارتش آمریکا تا به امروز مردم عراق راه طولانی و دشواری را پیموده اند. و این انتخابات بروشنی نشان میدهد که چه مقدار اکثریت مردم به زندگی سیاسی در یک دموکراسی اعتماد و علاقه دارند. برای شناسائی اراده درست ملت عراق و رشد پشتیبانی مردم از دموکراسی میباید نتیجه دوانخابات عراق در 2005 و 2010 را بررسی کرد.

جنبش ملی عراق در انتخابات 2005 که آنرا سنی ها بطور گسترده ای تحریم کرده بودند 8% آرا را در میان غیر مذهبی های شیعه و سنی بدست آورد. بنظر میرسد در انتخابات 2010 اقلیت سنی پیروزی خود را در انتخابات در اتحاد با غیر مذهبی ها دید که خود را با دین و یا قومیت معین نمیکنند. بررسی رای های داده شده به ایاد علانی نشان میدهد در حالیکه او در مناطق شیعه و کرد نشین رای آورده است دیگران نتوانسته اند رای بیاورند. در الانبار جنبش 11 کرسی را بدست آورد. در بابل که دو حزب شیعه کشور قانون ملکی و اتحادیه ملی عراق که مقتدا صدر در آن است هر کدام در آن بترتیب 8 و 5 کرسی و حزب جنبش 3 کرسی بدست آورده اند. در بغداد جنبش 24 کرسی بدست آورده است در حالیکه کشور قانون 26 و اتحاد ملی 17 کرسی بدست آورده اند. حتی تقریباً در بصره تندروهای شیعه، اتحاد ملی 7 کرسی در مقابل 14 کرسی کشور قانون بدست آورده است و جنبش ملی عراق 3 کرسی بدست آورده است. بطور کلی در استان هائی که دو حزب عمدتاً شیعه کشور قانون و اتحاد ملی نیرومند بودند و بیشترین رای را آورده اند اما در هر صورت جنبش ملی در آنجاها رای آورده است در حالیکه معکوس این اتفاق نیافتاده است. مانند استان های دهی قار، کربلا، قادسیه، وسیت که جنبش بترتیب 1، 2، 2 کرسی بدست آورده است در صورتیکه در آن استان ها اکثریت کرسی ها را دو حزب شیعه بدست آورده اند. در دو استان انبار و صلاحدین دو حزب شیعه هیچ کرسی بدست نیاورده اند. در استان نینوا جنبش 20 کرسی و اتحاد ملی تنها یک کرسی بدست آورده است. در کرکوک کرسی ها را جنبش 6 با 6 لیست کردها تقسیم کرده است. از 18 استان عراق، جنبش و اتحاد ملی در 12 استان حضور دارند و کرسی های آنها بترتیب 91 و 70 است. حزب ملکی در 11 استان با 89 کرسی حضور دارد. در سه استان دحوک، هولار و سلیمانیه کردهای بارزانی و جلال طالبانی و رقیبان بتازگی پدیدار شده آنها تمام کرسی ها را بدست آورده اند.

مهمترین چیزی را که انتخابات 2010 نسبت به 2005 بما میگوید اینست که نیروهای سیاسی قومی و مذهبی بطور قابل ملاحظه ای تضعیف شده اند. شاید بخاطر اینکه در دورانی که پس از سرنگونی رژیم صدام حسین توسط آمریکائی ها فرارسید این نیروها نشان دادند که تمایل کاملی دارند تا به زور به کشور حاکم شوند و استبداد سیاسی خود را سازمان دهند. شیعه های عراقی که دست پرورده رژیم حزب الله هستند مانند مقتدا صدر در کربلا، نجف و بصره سعی کردند که قدرت سیاسی را بدست بگیرند اما در کربلا و نجف توسط ارتش آمریکا و در بصره توسط نخست وزیر ملکی شکست داده شدند. صدامی های بعثی و القاعده و مقتدا صدر با کمک جمهوری اسلامی تلاش خونبار بزرگ و طولانی را کردند تا نیروهای آمریکائی را فرسوده کنند اما ایستادگی مستحکم رئیس جمهور بوش در مقابل آنها و شکست جویان سیاست پیشه آمریکائی آنها را شکست داد. و به مردم عراق این امید را داد که میتوانند در برابر نیروهای سیاسی استبدادی اسلامی و بعثی و هواداران فقهاتی جمهوری اسلامی آنها بایستند. و با رای خود آینده سیاسی عراق

¹ Wikipedia.org. "Iraqi Parliamentary Election." <http://en.wikipedia.org/wiki/> (accessed April 04,2010)

دمکرات را بسازند که در آن دمکرات ها با وجود اختلاف سیاسی در مقابل حاملان دیکتاتوری با زبان آنها که جنگ است هموردی کنند. روند سیاسی انتخاب مردم **عراق** از انتخابات آزاد اول تا دوم بصورت درخشانی امیدوارکننده بوده است. اگر سیاست پیشه های پیروز در انتخابات آزاد 2010 مهمترین هدف خود را پاسداری از جوهر دمکراسی امروز **عراق** قرار دهند، بدون شک روند متروک شدن افراطی ها مستبد **اسلامی** و **سیاسی** ادامه پیدا خواهد کرد و **عراق** نمونه یک دمکراسی در خاور میانه خواهد شد.

دگرگونی بزرگ و بیمانندی در سرنوشت سیاسی تاریخ معاصر **عراق** اتفاق افتاده است و از شکم این انقلاب بزرگ پدیده ناشناس دمکراسی سیاسی در **عراق** زندگی خود را آغاز کرده است. جان گرفتن دمکراسی در **عراق** و **خاور میانه** در اولین ده قرن بیست یکم یاد آور تولد اولین دمکراسی در **خاور میانه** در انقلاب مترقی مشروطیت ایران در اولین ده قرن بیستم در 1906 است. این دو انقلاب برای دمکراسی با وجود اینکه یک قرن از هم فاصله دارند از همانندی های زیادی برخوردارند. در ابتدای انقلاب مشروطیت سفارت **انگلیس** مکان امن (ژان) را برای مشروطه طلب ها فراهم کرد اما طولی نکشید تا انقلابیون دمکرات توانستند بروی پای خود بایستند. بدون شک بدون سرگونی رژیم دیکتاتوری **صدام حسین** تصور دمکراسی در **عراق** غیره ممکن بود و از آن بیشتر رئیس جمهور **بوش** با قرار دادن هدف برپائی یک دمکراسی در **عراق** دست به قمار بزرگی زد که در آن هزاران **آمریکائی** جان خود را ویا اعضای بدن خود را از دست دادند و همچنین چند میلیارد دلار پول مردم **آمریکا** در این راه خرج شد. شباهت کمک **آمریکا** و **انگلیس** برای جان گرفتن دمکراسی در چار چوب زمانی خود قابل توجه است. در انقلاب مشروطیت ایران و انقلاب برای دمکراسی در **عراق** روحانیت **شیعه** موضع مترقی داشتند و آیت الله **سیستانی** بدون شک در کنار آیت الله های **بهبهانی** و **طباطبائی** بیاد آورده خواهد شد. در این سالهای سرنوشت ساز برای دمکراسی **عراق**، **آمریکا** پاسدار و ضامن رشد دمکراسی در آن بوده است و تا وقتی که نیروهای نظامی آن در **عراق** است سیاست پیشه های **عراق** نمیتوانند راهی را جز سازش بایکدیگر انتخاب کنند. دوران این پاسداری و نگهداری از دمکراسی برای **آمریکائی** ها رو به پایان است. پس از آن این سیاست پیشه های **عراق** خواهند بود که وظیفه نگهداری از دمکراسی بعد از خود را خواهند بود. اینکه سیاست پیشه های **عراق** به این وظیفه پی خواهند برد و مهمتر از آن از دمکراسی در **عراق** نگهداری خواهند کرد و تهاجم نیروهای سیاسی دیکتاتور **اسلامی** و غیره را دفع خواهند کرد سوالی است که آینده بان جواب خواهد داد.

اشغال **عراق**، توسط **آمریکا** و متحدان آن از سازمان ملل متحد، و ویران کردن نهاد دیکتاتوری **عراق** شباهت قابل ملاحظه ای به اشغال ایران توسط متفقین در جنگ دوم جهانی دارد که یک دوران دمکراسی دوازده ساله را بدنبال خود داشت. تا وقتی که آخرین نخست وزیر این دوران دکتر **محمد مصدق** تصمیم گرفت دمکراسی دوباره بدست آمده ایران را در راه ملی کردن نفت با تعریف معینی که برای آن داشت فدا کند و بخاطر آن برای نسلی از ایرانیان ضد غربی قهرمان ملی شود. ایران در انقلاب مشروطیت و **عراق** در راه دمکراسی امروز هر دو برای دست یابی به دمکراسی از یک جنگ داخلی ویرانگر و انبوه جان باختگان به هدف خود رسیدند. تجدد در ایران بعد از هفتاد سال در سی سال گذشته بعلت بی لیاقتی و بد فکری سیاست پیشه های غیر مذهبی به سرنوشت شوم دیکتاتوری حزب **الله** دچار شده است. ایران از پیشروترین کشور در **خاور میانه** تبدیل به واپس گراترین کشور شده است، اما **عراق** با موفقیت بسوی دمکراسی و تجدد پیش میرود که نشانه آن انتخابات 2010 است. **عراق** دمکرات با حکومت مردمی نه تنها نمونه ای برای خاورمیانه خواهد شد بلکه نمونه ای برای کشورهای **عربی** و **اسلامی** خواهد بود. آزمایش واقعی برای سیاست پیشه های **عراق** برای نگهداری از دمکراسی بعد از خروج سربازان **آمریکائی** فرا خواهد رسید. و این پاسداری از دمکراسی بدون همسانی خشونت به همان میزان که دشمنان دمکراسی بان دست میزنند امکان پذیر نخواهد بود.

مقدمات این انتخابات در مجلس نمایندگان **عراق** که بطور نسبی تمام دین ها و قومیت ها را نمایندگی میکرد در مدتی طولانی با وسواس و دقت فراوانی فراهم شد، تا این انتخابات تا آنجا که قابل دیدن است درست و منصفانه برگزار شود. اولین سوالی که مطرح شد لیست بسته و لیست باز بود. در لیست بسته که در انتخابات 2005 بکار برده شده بود رای دهنده به مجموعه کسانی که در یک حزب بودند رای میداد در صورتیکه در لیست باز رای دهنده علاوه بر داشتن انتخاب دادن رای به یک لیست همچنین میتواند به یک فرد در یک لیست رای بدهد. سیستم لیست باز سرانجام باوجود مخالفت اتحادیه **کردستان** قانونی شد. ظاهراً برای **طالبانی** و **پارزانی** قابل پذیرش نبود که مردم **کردستان** به یک نفر خاص رای بدهند و این حق را که **پارزانی** و **طالبانی** برای خود قائل اند از آنها بگیرند. در فرمانداری **کرکوک** تقسیم رای آن بین **کردها**، **عرب ها** و **ترکمن ها** مشکل دیگری بود و اتحادیه **کردها** خودکار 51% کرسی ها را برای خود میخواست اما سرانجام بعد از رای گیری دوازده کرسی بین **کردها** و **عرب ها** بطور مساوی تقسیم شد. کرسی های مجلس از 275 به 325 عدد افزوده شد تا برای هر 100000 عراقی یک کرسی در نظر گرفته شود. تقسیم کرسی ها بین فرمانداری ها مورد دیگری برای درگیری بود مخصوصاً برای در نظر گرفتن تعداد کرسی ها برای مهاجران **عراقی** به خارج که بیشتر آنها **سنی** بودند. سرانجام بروی فرمول قابل قبولی برای تقسیم منصفانه کرسی ها توافق شد. مشکل جدی در نتیجه محروم شدن

500 نفر از سیاست پیشه ها نیکه بیشتر سنی بودند پیش آمد. این افراد توسط ماموران انتخابات از شرکت در انتخابات محرم شدند که حتی یک شیعه در میان آنها نبود. بنظر میرسید این یک حرکت مقرضانه توسط ماموران انتخابات بود تا از شرکت کامل سنی ها در انتخابات جلوگیری شود اما سرانجام این گروه که بیشتر متعلق به احزاب غیر مذهبی و لیبرال بودند اجازه ندادند این حرکت باعث عدم شرکت سنی ها در انتخابات شود.

پیش و بعد از انتخابات اتهام تقلب از هر طرف به طرف دیگر زده میشد. مانند اینکه، جنیش ادعا کرد که نخست وزیر ملکی اراده دارد در انتخابات با چاپ کردن 35 درصد ورقه انتخابات اضافی با پر کردن نام خود بر آنها پیروزی خود را تضمین کند. همچنین ملکی با دادن پول و زمین به شیخ های قبیله ها سعی میکند رای آنها را بخرد. ابراهیم جعفری نخست وزیر پیشین و رئیس حزب اصلاح، ملکی را متهم کرد که کمتر از یک میلیون اسم الکی و قلابی در مکان های روستائی درست کرده است تا با آن نامها به خود رای بدهد. رقیب های حزبی در هر استان در ادعای تقلب از طرف مقابل کوتاهی نکردند. جنیش ایاد علانی ادعا کرد که ملکی رای های حزب او را به اشغال سطل ریخته است. سخنگوی اتحاد ملی در بیانیه ای اعلان کرد که بخاطر دست بردن در انتخابات این سوال پیش میاید که آیا نتیجه این انتخابات ارزشی دارد؟ در کرکوک که کردها با عربها و ترکمن ها رقابت میکردند هر دو بیک سان هم دیگر را به تقلب در انتخابات متهم میکردند. نماینده اتحادیه ملی عراق در مصاحبه ای با "پرس تی وی"، بنگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی بزبان انگلیسی که تظاهر به بخش اخبار میکند، گفته است که حزب او از آن میترسد که آمریکائی ها در "شورای انتخابات" دخالت کرده باشند چون شمارش آرا ماشینی بود و آمریکائی ها به این ماشین ها را دست رسی داشتند. از کوچکترین حزب تا بزرگترین آنها همه بدون در نظر گرفتن تعداد کرسی های بدست آمده ادعا میکردند که حق آنها در رای گیری پایمال شده است. بنظر میرسد که همه آنها قیاس بنفس میکنند. بگفته یک مفسر آمریکائی "این یک انتخابات منصفانه عراقی بود" بدین معنی که نه در سطح غربی ویا کشورهای با سنت انتخابات مانند ترکیه، پاکستان و هند بلکه در سطح کشورهای عربی و جمهوری اسلامی منصفانه بود. احتمال دارد که تمام احزاب تلاش کرده باشند تا تقلب کنند برای همین هم برای هیچکدام از آنها باور کردنی نبود که طرف دیگر منصفانه کرسی بیشتر را بدست آورده باشد. در هر صورت تقلب در انتخابات از سطح خیلی پائین آغاز میشود و بالا میرود و به وجدان و شرف درستکاری ملی بستگی دارد که تنها با حضور مدافعان هر حزب در تمام مراحل انتخابات جلوگیری از آن امکان پذیر میشود. حتی نخست وزیر ملکی با داشتن امکانات دولتی ادعای تقلب دیگران در انتخابات را میکند و درخواست میکند تا رای ها با دست شمرده شود. شاید بخاطر اینکه ماشین های الکترونیکی فاسد از آدم ها فاسد بیشتر اند. در هر صورت اگر ما دموکراسی را حکومت با اراده نمایندگان تمام مردم و موازنه نیروهای سیاسی تعریف کنیم، نمایندگان این انتخابات تمام مردم عراق را نمایندگی میکنند که میباید با سازش با یکدیگر دولت بعدی عراق را تشکیل دهند. هر حزبی بجای جر زدن در این انتخابات بهتر است اجازه دهد دموکراسی جریان خود را ببیماید و خود را برای انتخابات بعدی آماده کند.

چون نتایج انتخابات از طرف "شورای ناظر به انتخابات" و ناظران جهانی درست اعلان شده است، مجلس جدید وظیفه دارد دولت تازه را تشکیل دهد. برای این منظور دولت ملکی میباید کنار برود تا دولت جدید تشکیل شود. اما بنظر میرسد نخست وزیر ملکی از پذیرفتن اراده رای دهندگان با ادعای تقلب در آن خود داری میکند. دولت ملکی تا بحال از پیشروی جریان معمول دموکراسی جلوگیری کرده است. چون نمیخواهد اجازه دهد ایاد علانی اقدام به تشکیل دولت جدید بکند که حتی احتمال موفقیت آن زیاد نیست.

کامبیز باسطوت

جمعه، 30/07/2010

www.iranpolitics.org

info@iranpolitics.org